

درس دوازدهم

هنر و تمدن ایران در سده دهم و یازدهم هجری



▲ نقشه سده دهم تا دوازدهم هجری

اهداف رفتاری : از هنرجو انتظار می رود پس از پایان این درس بتواند :

- ۱- چگونگی معماری دوره صفوی را شرح دهد.
- ۲- تنوع آثار معماری دوره صفوی را بیان کند.
- ۳- ویژگی های نگارگری مکتب تبریز صفوی را ذکر کند.
- ۴- آثار شاخص نگارگری دوره صفوی را نام ببرد.
- ۵- نگارگری شاخص دوره صفوی را نام ببرد.
- ۶- ویژگی های مکتب هنری قزوین را ذکر کند.
- ۷- تحولات نگارگری دوره صفوی در مکتب اصفهان را بیان کند.
- ۸- تأثیر نگارگری بر سایر هنرها را ذکر کند.
- ۹- ویژگی های قالی بافی دوره صفوی را شرح دهد.
- ۱۰- پارچه بافی دوره صفوی را شرح دهد.
- ۱۱- سفالگری دوره صفوی را شرح دهد.
- ۱۲- هنر فلزکاری دوره صفوی را شرح دهد.

هنر و تمدن ایران در سده دهم و یازدهم هجری

در دوران صفوی مراکز هنری ایران به سمت ناحیه غربی و مرکزی ایران کشیده شد و توانست با حفظ سنت های کهن هنر ایرانی جایگاه مهم و خاصی را در تمدن ایرانی رقم زند. همچون دیگر سلسله های حکومتی، در این دوره نیز تلاش بر آن بود که آثار مهمی در راستای اهداف اسلامی برداشته شود. باشکوه ترین مساجد از نظر طول، بزرگی و زیبایی با تزیینات و کتیبه های خوشنویسی شده در این زمان ساخته شد (شکل ۱-۱۲ الف و ب). همچنین به دلیل اهمیت به امر تعلیم و تربیت در فرهنگ اسلامی مدرسه هایی با ایوان های بزرگ دو طبقه و حجره دار همچون مدرسه چهار باغ در اصفهان



ب



الف

▲ شکل ۱-۱۲- مسجد امام، میدان نقش جهان، اصفهان

ساخته شد (شکل ۱۲-۲). در این زمان به پاس بزرگداشت مذهب شیعه و بزرگان دین، تلاش بسیاری برای ساخت آرامگاه‌هایی در شأن بزرگان و ائمه به‌ویژه در کربلا، سامرا و نجف اشرف صورت گرفت. در این مکان‌ها گنبد‌هایی پیازی شکل همراه با گلدسته‌های استوانه‌ای بلند بنا شد (شکل ۱۲-۳).



▲ شکل ۱۲-۳- بارگاه ملکوتی امام علی (ع) در نجف اشرف



▲ شکل ۱۲-۲- مدرسه چهار باغ، اصفهان

بناهای دینی در این دوران با کاشی‌های زیبا و نقش گل و بوته به شکلی چشم‌نوازترین می‌شد که دلالت بر خوش ذوقی و عشق به هنر است. سبک معماری این دوره که بیشتر در اصفهان خودنمایی می‌کرد به شیوه‌های متفاوت در تجربیات هنری گوناگون از جمله کاخ‌سازی، راهسازی، شهرسازی و مکان‌های عمومی، توجه داشت. آثار منحصر به فردی از بناهای غیردینی نظیر کاخ چهل ستون، هشت بهشت (شکل ۱۲-۴)، بازارها و کاروانسراها در شهرهای بزرگ و راه‌های اصلی بازرگانی و تجارت، ایجاد شد.

دوره صفویه ابتدا با حضور کمال‌الدین بهزاد (از استادان برجسته مکتب هرات) که به سرپرستی کتابخانه سلطنتی در تبریز منسوب شده بود توانست موقعیت هنری خود را تثبیت کند. پس از بهزاد، شاگردان وی این مسئله مهم را پی‌گرفتند. این دوره هنری، تلفیق سنت‌های مکتب هرات و

ویژگی محلی تبریز بود که توسط سلطان محمد انجام گرفت. رنگ طلایی در آن بیش از حد استفاده می‌شد و بیشتر موضوعات نقاشی را موضوعات درباری و گاهی موضوعات عادی دربر می‌گرفت.



▲ شکل ۱۲-۴- کاخ هشت بهشت، اصفهان

نگارگری از نوعی ترکیب بندی حلزونی پیروی می کرد که شاخص آن را می توان در نسخه شاهنامه نفیس این دوران دید (شکل ۵-۱۲). پس از تبریز، برای مدت زمان کوتاهی، مکتبی هنری در مشهد (در نیمه دوم سده دهم هجری) ظهور کرد که در آن ویژگی های مکتب تبریز با عناصر محلی ادغام و روش جدیدی پدید آمد. در این مکتب بیشترین توجه به موضوعات عادی و ترسیم درخت کهنسال با تنه و شاخه گره دار و استفاده از رنگ سفید خودنمایی می کند. حاصل این تجربه هنری را می توان در کتاب هفت اورنگ جامی دید (شکل ۶-۱۲).



▲ شکل ۶-۱۲- برگي از كتاب هفت اورنگ جامي



▲ شکل ۵-۱۲- برگي از شاهنامه شاه طهماسبی

در اواخر سده دهم (۹۴۷ هـ.) با حضور مکتب هنری قزوین، هنرمندان درباری، بیشتر به دیوارنگاری گماشته شدند. از این رو برخی از هنرمندان به دلیل رویکرد تجاری و سفارش دهندگان معمولی رو به تولید مرقعات آوردند. به همین دلیل سنت کتاب آرای به میزان اندکی رو به ضعف گذاشت. در مکتب قزوین با تغییر و تحول سبک مشهد روبه رو هستیم. در این دوره هنری، کاهش تنوع رنگ و پیکره ها در نگارگری پدید می آید. با این وجود همچنان سنت شاهنامه نگاری (شکل ۷-۱۲) وجود دارد. دیوارنگاری در دیگر اماکن نیز تحولی در دوره های بعد پدید می آورد (شکل ۸-۱۲). تا این دوره معمولاً خوشنویسان آثار خود را رقم (امضا) می زدند اما به دلیل ارزش یافتن مقام نقاش تحولی در برابری میان صاحبان قلم (نویسندگان و خوشنویسان) و قلم مو (نقاشان) ایجاد شده و نگارگران نیز آثار خود را رقم می زدند. این سنت از جُنید در دوره جلایری به بعد مرسوم شده بود.



▲ شکل ۸-۱۲- عمارت چهلستون، قزوین



▲ شکل ۷-۱۲- برگی از شاهنامه قوام

در میانه سده یازدهم هجری با انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت صفوی تحولی نیز در عرصه نگارگری ایجاد شد. شیوه مستقل رضاعباسی^۱ (مکتب اصفهان) با گرایش واقع‌نگاری و تأکید بر قلم‌گیری شکل گرفت. رویکرد تجارت جهانی و حضور هنرمندان هندی و اروپایی، تأثیر به‌سزایی بر هنرهای بصری این دوره داشت. هرچند که هنر ایرانی در دوره صفویه توانست سهم بسزایی را در هنر گورکانی (مغولان هند)، کشمیر (هند) و عثمانی (ترکیه) بگذارد اما خود نیز تحت تأثیر هنر اروپایی قرار گرفت و نوعی هنر به‌عنوان فرنگی‌سازی در ایران رایج شد (شکل ۹-۱۲).

این رویکرد جدید باعث شد تا هنرمندان سبک‌ترین پیشین و موضوعات مبتنی بر ادبیات غنی فارسی را کنار گذاشته و براساس سلیقه روز به چهره‌پردازی و منظرهای طبیعی و دورنما‌سازی توجه کنند. آنها روشی تلفیقی نیز از سنت‌های هنری با تأثیرات اروپایی ایجاد کردند (شکل ۱۰-۱۲). پیامد این تحول زمینه‌ساز گرایش‌ات متعدد از جمله، رواج سیاه قلم، مرقعات، دیوارنگاری، نقاشی گل و مرغ و شیوه‌های مردم‌نگاری^۲ شد (شکل ۱۱-۱۲).

در این دوره همه هنرها به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم برخوردار از تجربیات هنری نگارگران بودند. تاجایی که شیوه طراحی و ایجاد نقش و رنگ‌آمیزی آنان بر دیگر هنرها تأثیر غیرقابل انکاری داشته است. از جمله هنرهای تأثیر گرفته؛ فن بافندگی یعنی پارچه‌بافی و قالی است. تحول بافت و

۱- رضاعباسی: هنرمند مشهور نگارگر دوره صفویه و پایه‌گذار مکتب اصفهان بوده است.

۲- شیوه مردم‌نگاری: شیوه هنری که موضوع آن زندگی روزمره مردم عادی است.



▲ شکل ۱۰-۱۲- نقاشی اثر محمد زمان



▲ شکل ۹-۱۲- نقاشی اثر رضا عباسی



▲ شکل ۱۱-۱۲- گل و مرغ

منسوجات با وجود پیشینه بسیار غنی در این دوره به نیمه اول سده دهم هجری باز می‌گردد که زمینه‌ساز تولید فرش‌هایی مانند فرش‌های اردبیل (شکل ۱۲-۱۲) و فرش‌های اصفهان شد. غنای فرش‌های تولید شده به دلیل کاربرد طرح‌های اسلیمی، ختایی، شمشه‌ها و ... با الیاف ابریشم است (شکل ۱۲-۱۳). همچنین وجود ابریشم فراوان در این دوره، زمینه‌ساز تولید پارچه‌های نفیس از جمله زربفت بود (بسیار مورد توجه دربار بوده). این پارچه‌ها با زمینه رنگی و از تار و پود طلا بافته می‌شد. نقش گل‌ها از ابریشم براق با رنگی نزدیک به متن بود و در آن از طرح‌های نگارگری نیز بهره می‌بردند (شکل ۱۲-۱۴). فن بافت نیز با بافت پارچه‌های مخمل همراه با طرح گل و بوته برجسته و تافته براق با نخ‌های چند تابی (چند نخ تابیده در هم) تحول اساسی یافت. ایجاد طرح‌های نگارگری در



▲ شکل ۱۳-۱۲- بخشی از قالی با نقش‌های اسلیمی و ختایی



▲ شکل ۱۲-۱۲- فرش اردبیل

بافت پارچه، کاری بسیار دشوار بود ولی هنرمندان یزدی و کاشانی در این زمینه ابداعات و نوآوری‌های زیبایی پدید آوردند (شکل ۱۵-۱۲).

در اوایل سده دهم همراه با حفظ سنت‌های پیشین در عرصه سفالگری، تحولات چشمگیری پدید آمد. علت اساسی آن تلاش برای رقابت در بازارهای جهانی آن عصر بود. ایران در این زمینه توانست با بهره‌گیری از فن‌آوری ظروف چینی در اصفهان، آثار بسیار نفیس و ارزشمندی را تولید کرده و صادر نماید. نزدیک‌تر بودن ایران به بازار اروپا نسبت به چین (دوره مینگ^۱) این آثار به‌خوبی در عرصه بازار جهانی حضور یافت. تولیدات ایران از نظر کیفیت هم با محصولات چین کاملاً برابری می‌کرد (شکل ۱۶-۱۲). زیرا ظروف چینی تولید شده در ایران دارای جداره‌ای نازک، ظریف و نیمه شفاف بود که تا پایان سده سیزدهم هجری نیز رواج داشت. در این دوره تمامی روش‌های شکل‌دهی و تزئین مانند روش‌های زیررنگی، رورنگی (ظروف مینایی)، زرین فام و روش تزئین هفت رنگ رایج بود (شکل ۱۷-۱۲).



▲ شکل ۱۴-۱۲- نقش پارچه، دوره صفویه

۱- دوره مینگ: سلسله فرمانروایان چین در سده ۱۴ تا ۱۷ میلادی



▲ شکل ۱۵-۱۲ پارچه بانقش نگارگری، دوره صفویه



▲ شکل ۱۶-۱۲ ظرف کوباجه ای (بدل چینی)



▲ شکل ۱۷-۱۲ نقش کاشی هفت رنگ، دوره صفویه

در دوره صفوی علاوه بر کاشی معرق، از نوعی کاشی هفت رنگ^۱ برای سرعت بخشیدن در تکمیل ترین دیوار بناها استفاده می شد (شکل ۱۸-۱۲ الف و ب). نقوش به کار رفته در این کاشی ها غالباً نقوش اسلیمی و ختایی با رنگ های متنوع لاجوردی، آبی، سفید، زرد اُکر، سیاه، قهوه ای و سبز بودند.

۱- کاشی هفت رنگ: نقاشی با لعاب بر روی کاشی های کنار یکدیگر را کاشی هفت رنگ می نامند.



▲ شکل ۱۸-۱۲-ب - کاشی کاری هفت رنگ، مسجد شیخ لطف الله، اصفهان

▲ شکل ۱۸-۱۲-الف - کاشی کاری هفت رنگ
مسجد امام، اصفهان

هنر فلزکاری نیز دوران تحول و رشد خود را گذراند به طوری که در اواخر سده دهم ترصیع کاری با فلزات گرانبها و کتیبه‌هایی به خط نستعلیق، نوعی زیبایی چشمگیر را در این هنر پدید آورد. دوباره هنر فلزکاری احیا شد و تزیینات گل و گیاهی و اسلیمی و ختایی اهمیت ویژه‌ای در این هنر یافت (شکل ۱۹-۱۲).



▲ شکل ۱۹-۱۲-ظرف فلزی

گاه نگار درس دوازدهم

دوره میانه (اسلامی)	
سده دهم و یازدهم هجری	سده شانزدهم و هفدهم میلادی
(۱۱۰۰-۹۰۰)	(۱۰۰۰-۹۰۰)
هنرها : معماری، سفالگری و بدل چینی، کاشی کاری (هفت رنگ)، فلزکاری، خوشنویسی و کتابت، نگارگری و نقاشی، بافندگی (پارچه و فرش)، هنر چوب، آثار سنگی	
مناطق : تبریز، قزوین، مشهد، اصفهان	
سلسله ها : شیبانی (ازبک)، صفویه	

پرسش

- ۱- معماری در دوره صفوی چه وضعیتی پیدا کرد؟
- ۲- آثار معماری دوره صفوی را از نظر نوع بنا دسته بندی کنید.
- ۳- نگارگری مکتب صفوی تبریز چه ویژگی هایی داشته است؟
- ۴- آثار شاخص و نگارگران معروف دوره صفوی را نام ببرید.
- ۵- مکتب هنری قزوین چه ویژگی هایی داشت؟
- ۶- تحولات نگارگری مکتب اصفهان را شرح دهید.
- ۷- نگارگری دوره صفوی بر سایر هنرها چه تأثیری داشت؟ نمونه هایی را ذکر کنید.
- ۸- قالی بافی در دوره صفوی چه وضعیتی داشت؟
- ۹- وضعیت فلزکاری دوره صفوی را توضیح دهید.
- ۱۰- تزئین ظروف سفالی در دوره صفوی چگونه بود؟
- ۱۱- کدام یک از آثار زیر از شاخص ترین آثار نگارگری در سده ۱۰ و ۱۱ هجری است؟

(الف) شاهنامه بایسنقری

(ج) شاهنامه طهماسبی

(ب) هفت اورنگ

(د) مورد ب، ج